



عید شلوع و پلوغ

درباره مشاغلی که دم عید مثل
اسفند روی آتش می‌شوند

انگار که قرار است همین چند روز همه چیز تمام شود و توب سال نو که به صدا درآمد، دست و پای آدم قفل شود و دیگر هیچ کاری نتواند انجام دهد. از حام جمعیت از نانوایی گرفته تا آرایشگری چند برابر شده است و همه واهمه این را دارند که نکند عید شود و کارهایشان را نکرده باشند. در این میان، صدای خیاط و شیرینی پزو آرایشگر و حتی بقال محله هم درآمده است که «از آن روز تا حالا چه می‌کردید؟»

کاش سالی ۲ بار عید شود
مثل دکتر و مهندس‌ها آخر سال که می‌شود برای خودم یک دفترچه درست می‌کنم و به مردم وقت می‌دهم. ۵۰ ماه آخر سال، فصل کار ماست. به قول قدیمی‌ها فصل چندگرکشی ما می‌شود! شاید هفت هشت سالی می‌شود که خانه‌تکانی خانه خودم را سیزدهم عید به بعد انجام می‌دهم از بس سفارش‌های کارگر زیاد است که تازه خیلی‌ها را مجبور ردم. بعضی‌ها هم رفت‌وآمدی ندارند. خانه‌ایی که پچه‌هایشان خارج‌اند و تنهایند را بعد تحويل سال برای تمیز کاری می‌روم. از پول خوب و کار زیاد این دو ماه آخر سال که بگذریم، عیدی و لباس‌هایی که صاحب خانه‌ها می‌دهند هم عالی است. بچه‌هایم از خوشحالی دیدن لباس‌های خارجی و پیز دادن توی در و همسایه کلی کیف می‌کنند. با اینکه هرشسب کمرد درم، با خودم می‌گوییم کاش سالی دو بار عید می‌شد و مردم خانه‌تکانی داشتند.

▪ ملیحه‌ح، نیروی خدماتی منزل

یک ابرویش ماند
دم عید که می‌شود، دیگر خواب و خوارک من تعطیل است. البته مردم هم حق دارند. می‌خواهند دینگ شب عید بیاند که یک وقت یک دانه موی اضافه توی صورتشان درزیاید! الان چند سالی می‌شود که تزدیک تحويل سال هر ۱۰ دقیقه بچه‌هایم زنگ می‌زنند و می‌گویند: مامان، کجا ی؟ من همیشه یک جواب می‌دهم: الان تمام می‌شود ولی حقیقت این است که الانی وجود ندارد و حتی وقتی عید ساعت ۳ صبح است، باز هم من تا دم تحويل سال مشتری دارم. پارسال وقتی آخرین مشتری ام رفت، یک ریعی مانده به تحويل سال وسایلم را جمع و حور کردم و لباس پوشیدم که خانه بروم. یک‌دفعه خانمی در آرایشگاه را باز کرد و با کلی قسم و آیه خواست که او را اصلاح کنم. هرچه گفتم به تحويل سال نمی‌رسیم فایده نداشت. آخرش توب سال را درحالی زند که ابروهایش تابه‌تا بود و یک ابرویش ماند برای آن طرف سال!
▪ شهناز سلطانی، آرایشگر

▪ سفارش‌های اقایم می‌کنم
هرچه می‌گفتم خانم این جمعه برای خانه مادرم است و او هم مثل همه سفارش داده است فایده‌ای نداشت. ۵ هزار تومان دیگر هم روی شیشه گذاشت و جعبه را برداشت و رفت. از دست همین کارهای مشتری‌ها مجبور سفارش‌ها را توانی اتاق دخترم پنهان کنم. یک سال عید از بس سفارش زیاد بود دیس شیرینی‌ای را که برای خانه خودم درست کرده بودم توی جعبه گذاشت و برای مشتری فرستادم. از مشتری‌های قدیمی بود. مثل اینکه قصد داشته از مغازه خرد کند ولی آخرش، وقتی نوبت او می‌شود، شیرینی‌های‌هاتمام می‌شود. سختی کارما همین است. مردم فکر می‌کنند اگریک هفته زودتر شیرینی شب عید را سفارش دهند بیات می‌شود. هرچه هم توضیح می‌دهم فایده ندارد. حالا با این همه تجربه، این راهم بگویم که یکی از اعیاد برای اینکه کم نیاورم کلی شیرینی تولید کردم. خوشحال بودم که جواب همه را می‌دهد. زد و ایترنت همان ایام قطع شد. تا سه هفته صبحانه، ناهار و شام شیرینی می‌خوردیم. دخترم از بس به هم‌کلاسی‌هایش شیرینی داده بود که مدیر مدرسه من را خواست و گفت: خانم، اگر می‌خواهید تبلیغ کنید باید اول اجازه بگیرید! این کار درستی نیست که به بچه‌ها شیرینی می‌دهید!

▪ فاطمه تکلو، تولیدکننده کیک و شیرینی خانگی

